

جلسه اول

موضوع: بازخوانی آراء و ایده‌های شهید بهشتی (ره)

مدرس: حجت‌الاسلام محسن قنبریان

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

### مکتب جمع

ولّی فقیه چگونه باید مصلحت‌اندیشی کند؟ بهشتی پاسخ می‌دهد:

شهید بهشتی در کتاب «امامت و رهبری» می‌فرماید: «حکومت کردن با خواست اکثریت اما رهبری کردن براساس مصالح اکثریت، نه خواست اکثریت»؛ یعنی حاکم شدن ولّی فقیه با رأی اکثریت است اما برای حکمرانی و جلوگیری از مصلحت‌اندیشی جامعه را در نظر گرفت. ما مکتبی هستیم و نمی‌توانیم دین را زینت‌المجالس بگیریم.

حال اگر تمایلات مردم، غیر از مصالحی بود که رهبری یا شورای رهبری تشخیص می‌دهد، چه کار باید کرد؟

او می‌گوید ابتدا رهبر تلاش می‌کند مردم را قانع کند، چنانچه موفق نشد، سنجه سه‌گانه‌ای را در نظر می‌گیرد:

۱. در نظر داشته باشد که اکثریت درست‌تر می‌اندیشند تا اقلیت؛ یعنی در مصلحتی که شناخته است بر اساس نظر اکثریت، بازاندیشی کند.

۲. این مصلحت را با شکافی که میان مردم و حاکمیت ایجاد می‌کند، بسنجد و مطمئن شود این مصلحت که اجرای آن سبب ایجاد فاصله میان بخشی از جامعه با حاکمیت شده، سودش بیش از مفسده‌ای است که جدایی مردم از حاکمیت به ارمغان می‌آورد.

۳. بداند که مردم اگر به چیزی تمایل نداشته باشند از زیر آن فرار می‌کنند.

فلذا باید خروجی واقعی آنرا نگاه کند که چقدر از آن مصلحت اجراء خواهد شد و مجدداً بسنجد که آیا ارزش دارد آن مصلحت اجرا شود یا خیر.

اگر هر سه را انجام داد، تصمیم بگیرد و اقدام کند که در مقابل تاریخ و خدا مسئول است.

شهید دکتر بهشتی بعد از اینکه رابطه ولایت و مردم را در اصل حکومت به خوبی توضیح داد، در مسأله حکمرانی نیز برای مردم نقش جدی قائل می‌شود. او در کتاب «امامت و رهبری» می‌فرماید ما دو تراز داریم:

تراز سیاسی؛ شوراها

## تعاونی؛ اقتصادی



او این دو را به یکدیگر وابسته می‌کند و معتقد است اگر حکومت اقتصاد نداشت، حضور سیاسی هم نخواهد داشت یا برعکس اگر قدرت سیاسی وجود نداشت، توان حمایت از قدرت اقتصادی خویش را هم نخواهد داشت.

پس شهید بهشتی جمهوریت را رها نمی‌کند. او پس از اینکه یک جمع هندسی درستی میان ولایت و مردم انجام می‌دهد که با مبانی هم سازگاری دارد، در حکمرانی هم سعی می‌کند آن را تعقیب کند.

